

ایستاد هفت

سال سی و ششم، شماره اول
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۱

سید احمد رضا قائم مقامی | سید محمد حسین حکیم | فرزاد ضیائی حبیب آبادی | علی کاشفی خوانساری
سید علی میرافضلی | حمید عطائی نظری | عرفان پاپری دیانت | مرتضی کریمی نیا | امید حسینی نژاد
شیوا امیرهدایی | جویا جهان بخش | شیرین فراهانی | امید طبیب زاده | امیر حسین آزاد | رسول جعفریان
اشکان خطیبی | مریم حسینی | حیدر عیوضی | آریا طبیب زاده | مجید جلیسه | میلاد بیگدلو | کیامهر نامور
علی نیک زاد | امید رضائی | گلپر نصری | امیر ارغوان | علی کاملی | اکبر ثبوت | علی راد

ابن مقفع | طومار (۱۰) | نوشتگان (۱۲) | خراسانیات (۴) | اهتمام ناتمام

بتخانه سومنات | چاپ نوشت (۱۸) | نسخه خوانی (۴۰) | گزارش یک زندگی

آینه های شکسته (۸) | حکایت زنگی بسکردی | با همدلان عین القضاات

فخر مدبر و شجره نسبش | امیر حسینی هروی و خیام | فتح خوارزم و بیتی از عنصری

یادداشت های لغوی و ادبی (۴) | کهن ترین ترجمه فارسی انجیل | گفت وگو درباره پاسخی به یک نقد

برگی از تاریخ گیاه شناسی در ایران | معرفی شاهنامه موزخ ۸۰۸ هجری | نسخه شناسی مصاحف قرآنی (۲۲)

دو کلمه از آثار باقیه ابوریحان بیرونی | «دیباچه» از یاد رفته سیر حکمت در اروپا

نقدی بر تصحیح اخیر دیوان ابوالفرج رونی | شیخ سغدی در نظامیه چه می گزده است؟!

خلاقیت یا اقتباس در سندنویسی دوره قاجار | نقد ترجمه فارسی اخلاق اسپینوزا اثر محسن جهانگیری

مدخل ادبیات کودک در دانشنامه ایرانیکا و حاشیه هایی بر آن

اشعار تازه یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به نشریات آن عصر

نکته، حاشیه، یادداشت | پیوست آینه پژوهش: وزن های سیمین بهبهانی

بازنگری در سخن دکتر خانلری

پژوهشگر متون کهن فارسی | فرزاد ضیائی حبیب آبادی
| ۶۱۵ - ۶۱۹ |

با یاد دوست ادب دوستم روانشاد سعید روحانی چالشتی
که در نوروز دلهای ما را خزان زده کرد

۶۱۵

آینه پژوهش | ۲۱۱
سال ۳۶ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴

پرویز ناتل خانلری (۱۲۹۲-۱۳۶۹ ش) شاعر، ادیب، مترجم، مصحح، مدیر مجله سخن، دبیر کل و مدیر عامل بنیاد فرهنگ ایران، دبیر کل فرهنگستان ادب و هنر، بنیان‌گذار کرسی تاریخ زبان فارسی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، سناتور و وزیر فرهنگ، از نسل دوم استادان بزرگ دانشگاه تهران بود که با توجه به عواملی چند، از قبیل استعداد کم‌نظیر، ذوق سرشار، دانش فراوان، نشر بسیار درخشان - که معجزه اوست - شخصیت نافذ و اشتغال در مناصب گونه‌گون و بعضاً حساس، که در آن مشاغل نیز، برای پیشبرد اهداف فرهنگی، آن قدر که می‌توانست، وقت را غنیمت می‌دانست، در زمره اثرگذارترین استادان زبان و ادب فارسی و یکی از خدمت‌گزاران سترگ فرهنگ ایران زمین است و هزار افسوس که «با آن همه تلاش و تمنا و تشنگی» در این راه، پاداشی نادرخور یافت!

درباره شادروان خانلری یکی دو کتاب نوشته شده^۱ و البته باز هم باید نوشته شود. بنده در اینجا قصد رونویسی یا نقل قول از آن کتابهای دستیاب را ندارم. در عوض برای نشان دادن گوشه‌ای از عظمت و اثرگذاری شخصیت آن روانشاد، به نقل مطلبی از استاد دانشمند عزیزم دکتر مهدی نوریان، که همواره به درک محضر دکتر خانلری در هر سه دوره لیسانس، فوق لیسانس و دکتری مباحثات ورزیده‌اند، می‌پردازم. در یکی از شبها که استاد «از نجد و از یاران نجد»، از لطفعلی صورتگر و کلاسهایش، از محمد جعفر محبوب و سحر بیانش، از ذبیح الله صفا و بزرگواریش، از زرینکوب و احاطه‌اش به اقلیم دانش، با نقل خاطراتی، کام جان ما را حلاوت می‌بخشیدند، در پاسخ به این پرسش که: «در میان این همه استادان جلیل‌القدر، کدام یک در نظر شما بلندپایه‌تر است؟» پس از تأملی فرمودند: «خب ... خانلری با همه فرق می‌کرد!»

چندی است کتابی به نام «تفسیر نجف» توسط انتشارات دکتر محمود افشار از چاپ برآمده^۲ که به قول مصحح، ترجمه - تفسیر ناقصی (قریب به سه جزء) از قرآن کریم توسط مؤلفی ناشناخته است (مقدمه، ص ۱۸). ویژگیهای لغوی، صرفی و نحوی این اثر، نشان از دیرینگی آن دارد و مصحح در مقدمه خویش آنها را بازنموده است.

و اما آنچه سبب نگارش این یادداشت گردید، نسبت ناروایی است که در این کتاب به استاد روانشاد دکتر خانلری داده شده! مصحح تفسیر نجف در مقدمه، ذیل عنوان «فعل»، نوشته‌اند:

۱. از جمله: احوال و آثار دکتر پرویز ناتل خانلری، منصور رستگار فسایی، طرح نو، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۹ و پژوهشگران معاصر ایران، هوشنگ اتحاد، چاپ اول، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۸۷.
۲. تفسیر نجف (بخشی از ترجمه و تفسیری کهن از قرآن کریم)، تصحیح و تحقیق امیر حسین آقامحمدی، چاپ اول، انتشارات دکتر محمود افشار، تهران، ۱۴۰۳.

«بارزترین ویژگی این متن استعمال «همی» است به صورتی که در آن ۸۳۹ مرتبه «همی» (قیدی / جزء صرفی فعل) به کار رفته، در حالی که «می» انگشت شمار است؛ اگر بخواهیم دقیق بگوییم فقط دو مرتبه. خانلری (۱۳۷۴: ۲۲۲/۲) در تاریخ زبان فارسی می نویسد: «در هیچ یک از آثار و اسنادی که از فارسی دری در دست داریم صورت «همی» منحصرأ دیده نمی شود». دست نویس حاضر مثال نقضی است که اثبات می کند سخن خانلری نیازمند بازنگری است» (مقدمه، ص ۲۶).

دیدن آن مثال نقض و خواندن این مقال نغز (!) در حق شادروان خانلری از جانب جوانی که در زمان نگارش مقدمه پایان نامه کارشناسی ارشد خویش، ۲۵ سال پیش نداشته، حیرتی در من پدید آورد که موجب شد سری به سرچشمه بزنم و اصل سخن استاد را از نوشته خود ایشان بخوانم و شگفتا که دیدم مصحح تفسیر نجف در نقل سخن زنده یاد خانلری جانب امانت را فرو گذاشته اند! اکنون برای بازنگری در سخن استاد خانلری و تأمل در کار مصحح تفسیر مذکور، عین کلمات آن شادروان را در اینجا می آوریم:

«در هیچ یک از آثار و اسنادی که از فارسی دری در دست داریم صورت کهن «همی» منحصرأ دیده نمی شود. تنها در بعضی از این آثار صورت کهن تر، یعنی «همی» غلبه دارد، و در بعضی دیگر صورت جدیدتر یعنی «می». اما گاهی در دو اثر که زمان تألیف آنها یکی است یا بسیار به هم نزدیک است در غلبه استعمال یکی از دو صورت تفاوت فاحش دیده می شود [...]».^۲

.... خوانندگان گرامی ملاحظه فرمودند که مصحح تفسیر نجف، ادامه توضیحات استاد خانلری را حذف کرده اند! چنان که در سطور پیشین آوردیم در مقدمه این تفسیر نوشته شده در این کتاب ۸۳۹ بار «همی» آمده و ۲ بار «می». اکنون باید پرسید کجای این گزاره، سخن دکتر خانلری را نقض می نماید؟! اولاً همین دو مرتبه ای که «می» در این تفسیر آمده، کافی است تا انحصار استعمال را از چنگ «همی» به در آورد. ثانیاً نسبت ۸۳۹ «همی» به ۲ «می» همان «غلبه» ای است که روانشاد خانلری در ادامه مطلب خویش - که مصحح تفسیر، آن را حذف کرده اند - از آن سخن گفته اند! ثالثاً اگر هم مصحح می خواسته اند آن دو مورد استعمال «می» را در مقابل ۸۳۹

۶۱۸

آینه پژوهش | ۲۱۱
سال ۳۶ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴

۱. و شگفتا که من در این روزگار غریب، هنوز از این امور، شگفت ناک می گردم!

۲. تاریخ زبان فارسی، پرویز ناتل خانلری، بنیاد فرهنگ ایران، چاپ دوم، تهران، ۱۳۳۶، ج ۳، ص ۴۶.

«همی»، صفر جلوه دهند - که چنین نیست - و حتی اگر این دو مورد هم وجود نداشت، یعنی در سرتاسر این کتاب «همی» به کار رفته بود، باز خرده‌ای بر سخن دکتر خانلری نمی‌بایست گرفت، زیرا تفسیر نجف به قول مصحح «به تازگی دستیاب شده» (مقدمه، ص ۱۸) در حالی که استاد خانلری کتاب تاریخ زبان فارسی را هفده سال پیش از تولد مصحح تفسیر نجف و حدود پنجاه سال قبل از چاپ آن کتاب، به طبع رسانده‌اند و چنان که دیدیم در مورد «همی» و «می» نیز نوشته‌اند: «... از آثار و اسنادی که از فارسی دری در دست داریم...».

... از همه اینها که بگذریم، زنده‌یاد خانلری آن گونه که شیوه همه دانشمندان راستین است، در کار خود هرگز دعوی کمال نکرده‌اند و در آغاز این مجلد از کتاب تاریخ زبان نوشته‌اند:

«شک نیست که مباحث این کتاب، به سبب تازگی، ممکن نیست که کامل باشد و هنوز نکته‌های بسیار هست که ناگفته مانده و باید، اگر عمری باشد، به توسط مؤلف کتاب یا دیگر پژوهندگان تکمیل شود...» (ص ۴).

۶۱۹

آینه پژوهش | ۲۱۱

سال ۳۶ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴

... باری، همان سان که دیدیم، مصحح جوان تفسیر نجف، در مقدمه اثر خویش به نقل قولی از کتاب تاریخ زبان فارسی دکتر خانلری پرداخته، اما متأسفانه در این نقل قول، امانت‌شکنی کرده‌اند و به گفته شاعر:

«کُلُوا و اشربوا» را دُرِ گوش کرد «و لا تُسرفوا» را فراموش کرد!

اکنون ضمن امیدواری به این که ایشان در پژوهشهای بعدی خویش (اگر ادامه یافت) دقت بیشتری به خرج دهند، این نوشتار را با یادی نیک از نام بلند «اوستاد اوستادان زمانه»^۱ خانلری، به پایان می‌بریم.

به دامن نرسد دست کس، که جلوه حسن تو را به بام فلک برد و نردبان برداشت!

نوروز ۱۴۰۴ خورشیدی

شاهین شهر

۱. اوستاد اوستادان زمانه، عنصری/عنصرش بی‌عیب و دل بی‌غش و دینش بی‌فتن (منوچهری دامغانی).